

## یادداشت

## نقدی بر رفتار دوگانه ترامپ

### رسول‌کوهپایه‌اصفهانی

وکیل دادگستری

رفتار دونالد ترامپ را نمی‌توان صرفا در چارچوب‌های کلاسیک تحلیل سیاسی فهم کرد، بلکه باید آن را در منطق «نمایش پیروزی» صورت‌بندی کرد؛ منطقی که در آن، «روایت موفقیت» نه‌تنها مکمل واقعیت، بلکه در بسیاری موارد، جایگزین آن می‌شود. این الگو، اگرچه در سبک سیاسی ترامپ برجسته و عریان است، اما ریشه در یکی از مفاهیم دیرپای دیپلماسی دارد: «ساختن پل پیروزی» یا آنچه در ادبیات کلاسیک روابط بین‌الملل به عنوان Golden Bridge شناخته می‌شود. ایده «پل پیروزی» نخستین‌بار به‌صورت نظام‌مند در آثار استراتژی‌ک -از جمله در خوانش‌های مدرن از هنر جنگ- مطرح شد: «برای دشمن راهی بگذار تا با عزت عقب‌نشینی کند». در تفسیر معاصر، این اصل به یکی از ارکان دیپلماسی تبدیل شده است؛ به این معنا که هیچ توافق پایداری شکل نمی‌گیرد مگر آنکه طرف مقابل بتواند آن را در سطح داخلی، به‌مثابه «پیروزی» بازنمای کند. از این منظر، دیپلماسی نه صرفا هنر امتیازگیری، بلکه هنر «قابل فروش سازی نتیجه» است. در تجربه‌های تاریخی، این منطق بارها خود را نشان داده است. در توافقات کمپ دیوید، انور سادات توانست بازپس‌گیری صحرای سینا را به عنوان پیروزی ملی عرضه کند، در حالی که مناخیم بکین نیز توافق را به عنوان تثبیت امنیت اسرائیل بازنمای کرد. هر دو روایت، در عین تفاوت، کارکرد داخلی خود را ایفا کردند. به‌طور مشابه، در پایان جنگ ویتنام، ایالات متحده با وجود عدم تحقق اهداف حداکثری، چارچوب خروج را به‌گونه‌ای تنظیم کرد که «حفظ اعتبار» و «پایان مستسولانه جنگ» در روایت رسمی برجسته شود.این منطق، در قالب نظری نیز قابل صورت‌بندی است. در چارچوب «بازی دوسطحی» رابرت پاتام در روابط بین‌الملل، هر توافق بین‌المللی باید هج‌زمان در دو سطح پذیرفتنی باشد: سطح خارجی (میان دولت‌ها) و سطح داخلی (میان نخبگان و افکار عمومی). شکست در هریک از این سطوح، می‌تواند کل توافق را بی‌اثر کند. از همین رو، «پل پیروزی» در واقع پلی است میان این دو سطح سازوکاری برای تبدیل یک مصالحه بین‌المللی به یک پیروزی داخلی. در حوزه اقتصاد سیاسی نیز این منطق به‌وضوح قابل مشاهده است. بازارها نه صرفا به واقعیت‌های سخت، بلکه به انتظارات و ادراکات واکنش نشان می‌دهند. به همین دلیل، اعلام یک «توافق بزرگ» -حتی پیش از تحقق کامل آن- می‌تواند بر قیمت انرژی، نرخ ارز و جریان سرمایه اثر بگذارد. در اینجا، روایت به یک متغیر اقتصادی تبدیل می‌شود. اگر این چارچوب را به وضعیت کنونی روابط ایران و ایالات متحده تعمیم دیم، اهمیت آن دوچندان می‌شود. موضوع برنامه هسته‌ای ایران، به‌ویژه در حوزه غنی‌سازی اورانیوم، نه‌تنها یک مسئله فنی، بلکه یک مسئله عمیقا سیاسی و امنیتی است. برای ایران، این برنامه در چارچوب «حق حاکمیتی» و توسعه فناوری تعریف می‌شود؛ در حالی که برای آمریکا و برخی متحدانش، در چارچوب «ریسک اشاعه» و تهدید بالقوه امنیتی تحلیل می‌شود. این دوگانه، صرفا اختلاف در داده‌ها نیست، بلکه تعارض در «چارچوب‌های تفسیری» است. در چنین بستری، هرگونه توافق -مشابه آنچه در برجام تجربه شد- باید بتواند این شکاف روایتی را مدیریت کند. در برجام، محدودیت‌های فنی در کنار سازوکارهای نظارتی پذیرفته شد، در حالی که در سطح روایت، هر طرف تلاش کرد آن را به عنوان دستاوردی مطابق با منافع خود عرضه کند. با این حال، خروج ایالات متحده از توافق در دوره ترامپ نشان داد اگر روایت داخلی پایدار نماند، حتی توافقات پیچیده نیز شکننده خواهند بود. امروز متغیرهای جدیدی نیز به این معادله افزوده شده‌اند. جایگاه تنگه هرمز به عنوان یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان، به این معناست که هرگونه تنش یا توافق، بلافاصله در بازارهای جهانی حساسی بازتاب می‌یابد. بخش قابل توجهی از صادرات نفت جهان از این مسیر عبور می‌کند و هرگونه اختلال در آن، می‌تواند شوک‌های قیمتی ایجاد کند. در اینجا، امنیت منطقه‌ای و اقتصاد جهانی به‌طور مستقیم به هم گره خورده‌اند. از سوی دیگر، توان موشکی ایران به عنوان بخشی از دکترین بازدارندگی، در محاسبات امنیتی منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. این توانمندی، در نگاه ایران، ابزار ایجاد «توازن قوا» در برابر تهدیدات خارجی است؛ در حالی که از منظر ایالات متحده و برخی بازیگران منطقه‌ای، به عنوان عاملی برای افزایش ریسک درگیری تلقی می‌شود. این تقابل ادراکی، هرگونه مذاکره را پیچیده‌تر می‌کند. در چنین شرایطی، مفهوم «پل پیروزی» اهمیت مضاعف می‌یابد. یک توافق پایدار میان ایران و آمریکا فقط زمانی ممکن است که هر دو طرف بتوانند آن را در چارچوب روایتی قابل قبول برای مخاطبان داخلی خود عرضه کنند. برای مثال، ایالات متحده ممکن است بر «مهار برنامه هسته‌ای» و کاهش ریسک اشاعه» تأکید کند، در حالی که ایران می‌تواند بر «حفظ حق غنی‌سازی»، «رفع تحریم‌ها» و «برسमित‌شناخته‌شدن جایگاه منطقه‌ای» تمرکز کند. این دو روایت، اگرچه متفاوت‌اند، اما می‌توانند بر یک واقعیت مشترک بنا شوند. نکته کلیدی آن است که «پل پیروزی» به معنای قربی یا تحریف نیست، بلکه به معنای طراحی هوشمندانه چارچوبی است که در آن، تعارض میان «واقعیت» و «روایت» به حداقل برسد. در این چارچوب، دیپلماسی قرن بیست‌وپنجم، به مهارت در چانه‌زنی، بلکه به توانایی در «مهندسی معنا» وابسته است. در نهایت، مواجهه با بازیگری مانند ترامپ -که سیاست را به‌مثابه صحنه‌ای برای نمایش پیروزی می‌بیند- نیازمند درکی عمیق از این منطق است. در چنین مواجهه‌ای، اصرار بر تحمیل روایت واحد، اغلب به بن‌بست می‌انجامد؛ در حالی که طراحی یک «پل پیروزی»، امکان حرکت از تقابل به توافق را فراهم می‌سازد. دیپلماسی قرن بیست‌ویکم، بیش از هر زمان دیگر در مرز میان «واقعیت» و «روایت» شکل می‌گیرد. آن که بتواند این مرز هوشمندانه را مدیریت کند، نه‌تنها در میز مذاکره، بلکه در صحنه سیاست جهانی نیز دست بالا را خواهد داشت.

## محکومیت اتهام‌زنی واھی امارات علیه ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه اقدام امارات متحده عربی در بازداشت شماری از افراد به بهانه‌های واھی و بی‌اساس را محکوم کرد. به گزارش ایسنا، اسماعیل بقایی خاطرنشان کرد: طرح این نوع ادعاها بی‌مبنا و فضاسازی ضدبائری نمی‌تواند اذهان را از مسئولیت مستقیم حامیان و پشتیبانان متجاوزان آمریکایی و اسرائیلی در تجاوز نظامی علیه ایران منحرف کند. سخنگوی وزارت امور خارجه به تأکید بر اینکه این‌گونه فراقتنی‌ها کمکی به اعتمادسازی بین کشورهای منطقه نخواهد کرد، دولت امارات را به رعایت حقوق و کرامت انسانی افراد و پرهیز از رفتارهای انتقام‌جویانه و بازگشت به اصل حسن هم‌جواری دعوت کرد.

**موسسی موحد:** امروز چهارشنبه؛ زمانی است که به احتمال زیاد تکلیف بازگشت به جنگ یا آغاز دور تازه مذاکرات در اسلام‌آباد روشن شده است. با این حال، در لحظه نگارش، همه چیز در وضعیت معلق و ناپایدار قرار دارد؛ وضعیتی که نه می‌توان آن را صلح نامید و نه جنگ، بلکه نوعی «تعلیق راهبردی» است که هر لحظه امکان چرخش به یکی از دو مسیر کاملا متفاوت را دارد.

با پایان آتش‌بس دوهفته‌ای از ۳:۳۰ بامداد امروز، منطقه وارد مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده می‌شود. نگاه‌ها اکنون بیش از هر زمان دیگری به اسلام‌آباد دوخته شده است؛ جایی که اگرچه مقدمات فنی و امنیتی برای میزبانی مذاکرات فراهم آمده، اما هنوز ابهام‌های جدی درباره اراده و زمان‌بندی حضور طرفین پابرجاست. آن‌گونه‌که از شواهد برمی‌آید، نوعی بن‌بست نمادین نیز شکل گرفته است، اینکه مذاکره در فضای بی‌خستنی‌گام را تشدید کرده است. «پرواز اول» را به مقصد پاکستان انجام دهد، خود به مسئله‌ای حیثیتی و سیاسی تبدیل شده که فراتر از یک تصمیم اجرایی، به سنجش وزن و موقعیت هر طرف در معادله قدرت گره خورده است. برخلاف ادعاهای اولیه دونالد ترامپ و دیگر مقامات کاخ سفید، قرار بود روز سه‌شنبه جی‌دی ونس در پاکستان حضور یابد؛ امری که تحقق نیافت و همین موضوع، عملا بر روند اعزام هیئت ایرانی نیز تأثیر گذاشت و مانع از شکل‌گیری گام نخست در مسیر مذاکرات شد. البته ای‌بی‌سی نیز به نقل از کاخ سفید خبر داد که ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، دیروز سه‌شنبه از پایگاه مشترک اندروز عازم پاکستان شده تا در مذاکرات شرکت کند. با وجود این نکته، تداوم محاصره دریایی و حمله به کشتی ایرانی «توسکا» بر پیچیدگی معادلات افزوده و فضای بی‌اعتمادی را تشدید کرده است. در چنین شرایطی، اگر مذاکراتی آغاز نشود، مسئولیت اصلی این وضعیت متوجه ایالات متحده خواهد بود و به‌سادگی نمی‌توان این ناکامی را به تهران نسبت داد یا توب را در زمین ایران انداخت.

با این حال و تا لحظه تنظیم گزارش خبری از اعزام هیئت‌ها نیست. اما هم‌زمان احتمال حضور هیئت‌های تهران و واشنگتن برای اوایل امین چهرارشنیه از سوی آسوشیتدپرس مطرح شده است. در چنین فضایی، ارزیابی‌ها از آینده کوتاه‌مدت تحولات، میان دو سناریوی متضاد در نوسان است؛ از یو سکو بازگشت به چرخه تنش و حتی احیای درگیری، و از نسوی دیگر، گشایش در مسیر دیپلماسی و آغاز گفت‌وگوهایی که می‌تواند دست‌کم از شدت بحران بکاهد. این دوگانه، صرفا یک انتخاب تاکتیکی نیست، بلکه بازتاب‌دهنده دو مسیر متفاوت در سطح راهبردی است؛ که هریک پیامدهای عمیقی برای امنیت، اقتصاد و جایگاه منطقه‌ای ایران خواهد داشت. از این منظر، آنچه در ساعات و روزهای پیش‌رو رقم خواهد خورد، تعیین‌نهیین‌کننده وضعیت فعلی نیست، بلکه می‌تواند مسیر تحولات بلندمدت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اکنون، بیش از هر زمان دیگری، وزن تصمیم‌ها سنگین شده و هر انتخاب، نه‌فقط یک اقدام سیاسی، بلکه گامی در راستای شکل‌دهی به آینده‌ای است که میان جنگ و گفت‌وگو در نوسان قرار گرفته است.

### در آخرین روز آتش‌بس چه گذشت؟

درحالی‌که تنها ساعاتی تا پایان رسمی آتش‌بس دوهفته‌ای میان ایران و آمریکا باقی مانده، فضای سیاسی و امنیتی منطقه در شرایطی پیچیده، چندپایه و آمیخته با ابترخه قرار دارد، وضعیتی که هم‌زمان نشانه‌هایی از احتمال آغاز دور تازه مذاکرات در اسلام‌آباد و نیز بازگشت به چرخه تنش و درگیری را در خود جای داده است. گزارش‌های میدانی و رسانه‌ای از منابع مختلف نشان می‌دهد که اگرچه پاکستان به‌عنوان میزبان، مقدمات لازم برای برگزاری مذاکرات را فراهم کرده، اما همچنان بر سر نحوه و زمان حضور طرفین اختلافات جدی وجود دارد. در همین‌لحظه، «کمبیرلی هالت»، خبرنگار الجزیره، از اسلام‌آباد گزارش داده است که آمریکا و ایران بر سر اینکه کدام طرف ابتدا به اسلام‌آباد پرواز کند، در بن‌بست قرار دارند؛ موضعی که به گفته او به نوعی «بازی حیثیتی» میان دو طرف تبدیل شده است. او تأکید کرده که کاخ سفید درباره زمان خروج جی‌دی ونس از واشنگتن با احتیاط سخن می‌گوید و احتیاطی ناشی از نگرانی از «شموسازی دیپلماتیک» در صورت حضورنداشتن ایران در مذاکرات است. در حالی‌که خبرنگار، اگر آمریکا هیئت خود را اعزام کند اما ایران در مذاکرات حاضر نشود، این موضوع برای واشنگتن یک شکست نمادین تلقی خواهد شد. در همین حال، مقامات پاکستانی نیز اعلام کرده‌اند که اگرچه کارکنان پشتیبانی در روزهای گذشته وارد اسلام‌آباد شده‌اند، اما هنوز هیچ هیئت سطح بالایی از دو کشور در محل حاضر نیست. ازجمله همچنین به نقل از منابع مطلع گزارش داده که یکی از نقاط اختلاف اصلی، پیش‌شرط ایران برای پایان دادن به محاصره دریایی بندارش از طرف آمریکاست. هم‌زمان، خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از دو مقام منطقه‌ای مدعی شده که هر دو طرف سیکنال‌هایی برای حضور در مذاکرات جدید ارسال کرده‌اند، اگرچه این سیکنال‌ها هنوز به تصمیم عملی تبدیل نشده‌اند. در داخل ایران، فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، با تأکید بر پیوند میان میدان و دیپلماسی، اعلام کرده است «مذاکرات در امتداد میدان است» و درعین‌حال تصریح کرده که مردم ایران تسلیم‌ناپذیرند، اما اگر مذاکره در چارچوب احترام و به‌رسمیت‌شناختن متقابل باشد، ایران همواره پیشگام گفت‌وگو بوده است. این در حالی است که خبرگزاری تسنیم گزارش داده تهران با نزدیک شدن به پایان آتش‌بس، آمادگی کامل برای احتمال آغاز مجدد جنگ را دارد و حتی «شکستفناه‌هایی» برای دور جدید درگیری احتمالی تدارک دیده شده است. در همین راستا، تحولات میدانی نیز بر پیچیدگی اوضاع افزوده است. پس از نقض آتش‌بس از سوی آمریکا، کانال‌های ورودی و خروجی تنگه هرمز مسدود اعلام شده و مسیرهای جدیدی که پیش‌تر برای تردد کنترل‌شده کشتی‌های تجاری طراحی شده بود، تا اطلاع ثانوی بسته شده‌اند. براساس گزارش‌ها، تا زمان ارض تضمین‌های لازم برای رفع کامل محاصره دریایی، هیچ شناوری اجازه عبور از این گذرگاه حیاتی را نخواهد داشت و کنترل شدید این منطقه در اختیار نیروی دریایی سپاه قرار گرفته است. همچنین تردد هرگونه شناور نظامی در این منطقه ممنوع اعلام شده است.

در سطح رسانه‌ای، خبرگزاری صداوسیما نیز تا ظهر سه‌شنبه تأکید کرده که هیچ هیئت ایرانی، اعم از اصلی یا فرعی به اسلام‌آباد

# «شرق»، رای آخرین معادلات میدانی و دیپلماتیک در واپسین ساعات آتش بس، وقتی دیپلماسی و سایه جنگ هم‌زمان پیش می‌روند

# روی لبه توافق



اعزام نشده است. این در حالی است که طی روزهای گذشته، برخی رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از برنامه‌ریزی برای عزیمت هیئت ایرانی با‌زمان‌بندی مذاکرات خبر داده بودند که به گفته منابع رسمی ایرانی، صحت نداشته است. مقامات کشورمان از شامگاه یکشنبه نیز موضعی ثابت اتخاذ و اعلام کرده‌اند «مذاکره زیر سایه تهدید و نقض عهد» را نمی‌پذیرند و ادامه حضور در مذاکرات را منوط به تغییر رفتار آمریکا دانسته‌اند. در همین چارچوب، یک مقام ایرانی در گفت‌وگو با العربی‌الجدید نیز تأکید کرده که موضع تهران درباره شرکت‌نکردن در مذاکرات اسلام‌آباد تغییر نکرده و هیچ هبتی در آنجا حضور ندارد. شبکه‌المیادین نیز تا ظهر سه‌شنبه گزارش داده که هنوز اطلاعات رسمی از برگزاری دور دوم مذاکرات در دست نیست. در همین حال، رسانه سعودی «الحدث» به نقل از منابع پاکستانی مدعی شده که اسلام‌آباد از تهران و واشنگتن خواسته آتش‌بس را دو هفته دیگر تمدید کنند و حتی احتمال دارد شهناز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، چنین شرطی را اعلام کند. در سوی دیگر، دونالد ترامپ مدعی شده که تمایلی به تمدید آتش‌بس ندارد و در اظهاراتی گفته «برای یک توافق عالی عجله‌ای نداره» و حتی به توفیق یک کشتی ایرانی اشاره کرده است. این مواضع با واکنش محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، مواجه شد که در شبکه ایکس نوشت «ترامپ تلاش دارد با نقض آتش‌بس و اعمال محاصره، بین مذاکره را به «همین تسلیم» تبدیل کند». در همین حال، تحلیل پایگاه ژئو آنالیزساید نشان می‌دهد که «لحن ترامپ در روزهای اخیر تغییر کرده و از مواضع تند فاصله گرفته است». این رسانه معتقد است ترامپ با الگوی همیشگی «فشار حداکثری» در حال آماده‌سازی افکار عمومی برای یک توافق احتمالی است؛ توافقی که ممکن است شباهت‌هایی به برجام داشته باشد. سخنگوی کاخ سفید نیز در گفت‌وگو با فاکس نیوز ادعا کرده که آمریکا هرگز تا این حد به یک توافق خوب با ایران نزدیک نبوده است. در مقابل، رضا امیری‌مقدم، سفیر ایران در پاکستان، در شبکه ایکس تأکید کرده که هیچ کشوری با تمدن بزرگ تحت تهدید مذاکره نمی‌کند. از نسوی دیگر، المیادین گزارش داده آمریکایی‌ها به میانه‌جی پاکستانی اطلاع داده‌اند که ممکن است به صورت غیرعلنی با رفع محاصره توافق کنند. اما ایران خواهان اعلام رسمی این اقدام است. شبکه‌سی اس‌ان نیز گزارش داده که برخی مقامات آمریکایی به طور خصوصی اذعان کرده‌اند اظهارات علنی ترامپ به روند مذاکرات آسیب زده و موجب افزایش بی‌اعتمادی ایران شده است. به گفته این رسانه، اختلافات جدی همچنان بر سر موضوعاتی مانند محدودیت‌های هسته‌ای، تحریم‌ها و کنترل تنگه هرمز پابرجاست. در مجموع، آنچه در این لحظات حساس مشاهده می‌شود، ترکیبی از سیگنال‌های متناقض، بی‌اعتمادی عمیق و تلاش‌های هم‌زمان برای حفظ گزینه‌های جنگ و دیپلماسی است؛ وضعیتی که آینده، آن به تصمیماتی گره خورده که در ساعات و روزهای پیش‌رو اتخاذ خواهد شد.

### فریدون مجلسی: از فرصت اسلام‌آباد نهایت استفاده را بکنیم

در تحلیل فضای شکننده ساعات منتهی به پایان آتش‌بس، فریدون مجلسی با نگاهی محتاطانه اما امیدوار، معتقد است: «هنوز امکان آغاز گفت‌وگوها وجود دارد؛ هرچند این امکان، بیش از هر زمان دیگری لرزان و وابسته به تصمیمات لحظه‌ای طرفین است.» به گفته این دیپلمات اسبق کشورمان: «شواهد میدانی و دیپلماتیک نشان می‌دهد زیرساخت‌های لازم برای برگزاری مذاکرات در اسلام‌آباد مهیا شده است؛ از آمادگی محل برگزاری در هتل‌ها گرفته تا پیش‌بینی‌های امنیتی برای چند روز متوالی از مذاکره. با این حال، عدم حضور قطعی هیئت‌ها تا این لحظه، نشانه‌ای از تردید یا پیچیدگی در محاسبات طرفین تلقی می‌شود.» در سوی دیگر، فریدون مجلسی بر این باور است که در چنین بزنگاهی: «منطق مذاکره همچنان می‌تواند بر منطق تقابل غلبه کند، مشروط بر آنکه اراده‌ای حداقلی برای «تعامل، ولو محدود، وجود داشته باشد». تحلیلگر حوزه سیاست خارجی تأکید می‌کند: «حتی یک توافق موقت با گام اولیه نیز می‌تواند به‌مثابه روزنه‌ای برای خروج از چرخه فرسایشی تنش عمل کند.» به تعبیر او، «حتی اگر دستاوردی کامل حاصل نشود، داشتن یک بهانه یا مینا برای آغاز گفت‌وگو، خود یک فرصت است؛ فرصتی که می‌تواند از ورود به مرحله‌ای غیرقابل بازگشت جلوگیری کند.» این تحلیلگر با اشاره به فضای داخلی و خارجی درباره بحران، از وجود سه جریان سخن می‌گوید که عملا در راستای «تداوم و تشدید تنش» حرکت می‌کنند. به گفته او: «بخشی از مخالفان خارج از کشور، با امید به تغییرات بنیادین، از تشدید درگیری استقبال می‌کنند. در سوی دیگر، بازیگرانی همچون اسرائیل نیز با ملاحظات امنیتی و راهبردی خاص خود، خواهان تداوم فشار بر ایران هستند.» در داخل نیز، به باور مجلسی: «برخی جریان‌های رادیکال به حمله و جفمه و تخریب علیه قالیباف و تیم مذاکره‌کننده روی آورده و مسیر گفت‌وگو را تخریب کرده‌اند. این تدرخواه خواه از سر باور با محاسبه و تعادل در این روزها به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که نتیجه آن تقویت فضای تقابل است.» با این حال، دیپلمات اسبق کشورمان تأکید می‌کند: «آنچه باید در مرکز توجه قرار گیرد، منافع ملی ایران است؛ منافعی که به تعبیر مجلسی: «دیگر تاب تحمل هزینه‌های فرایند یک درگیری گسترده دیگر را ندارد.» او با ترسیم تصویری از پیامدهای ملموس آغاز مجدد جنگ، «از اختلال در زیرساخت‌ها، فشار بر معیشت مردم، و تهدید زندگی روزمره سخن می‌گوید» و هشدار می‌دهد: «ادامه

### «شرق»، رای آخرین معادلات میدانی و دیپلماتیک در واپسین ساعات آتش بس، وقتی دیپلماسی و سایه جنگ هم‌زمان پیش می‌روند

# روی لبه توافق

این روند می‌تواند به فرسایش عمیق‌تر توان ملی بینجامد». البته از نگاه این کارشناس: «مسئله فقط تخریب فیزیکی نیست، بلکه آسیب‌های اجتماعی و روانی نیز در کمین جامعه قرار دارد.» در چنین بستری، مجلسی تأکید دارد: «نقش چهره‌هایی که در فرایند مذاکرات حضور دارند، از جمله محمدباقر قالیباف، نیز مورد توجه قرار گرفته است». او، اگرچه تصریح می‌کند: ارزیابی‌اش مبتنی بر افراد نیست، بلکه بر نتایج متمرکز است، اما در عین حال ابراز امیدواری می‌کند که مسئولان امر و شخص قالیباف بتوانند از این فرصت حساس برای پیشبرد گفت‌وگوها بهره ببرند. به باور او: «برخی مواضع اخیر قالیباف و یزشکیان نیز حاکی از درک ضرورت پرهیز از تداوم تنش و توجه

به هزینه‌های آن است.» مجلسی در بخش دیگری از ارزیابی خود، به شرایط خاص کنونی در حوزه ژئوپلیتیک اشاره می‌کند و معتقد است: «برخی اقدام‌های موجود از جمله تحولات مرتبط با مسیرهای حیاتی منطقه می‌تواند به عنوان فرصتی برای چانه‌زنی و دستیابی به توافقی آبرومندانه مورد استفاده قرار گیرد.» او روی این نکته مانور می‌دهد که «استفاده هوشمندانه از این موقعیت‌ها، می‌تواند به کاهش فشارها، پایان دادن به درگیری و حتی گشایش در مسیر رفع تحریم‌ها منجر شود.» در نهایت، جمع‌بندی این دیپلمات پیشین بر یک محور استوار است که «به‌رغم ورود به بامداد چهارشنبه و پایان آتش‌بس دوهفته‌ای، فرصت هنوز از دست نرفته، اما بسیار محدود است.» به تعبیر او، تداوم وضعیت کنونی بدون تصمیم‌گیری روشن، می‌تواند کشور را به سمت سناریوهایی سوق دهد که کنترل آنها دشوار و پرهزینه خواهد بود. مجلسی هشدار می‌دهد: «در صورت از دست رفتن این مقطع، ممکن است در آینده امکان بازگشت به میز مذاکره با چنین شرایطی فراهم نشود. پس باید از فرصت اسلام‌آباد نهایت استفاده را بکنیم.»

### عسکر قهرمانپور: به نظر می‌رسد «توافق محدود»، واقع‌بینانه‌ترین گزینه در شرایط فعلی باشد

عسکر قهرمانپور در قامت کارشناسی دیگر هم در گفت‌وگو با «شرق»، ابتدا به ساکن یادآور می‌شود: «در حالی‌که نگاه‌ها به احتمال آغاز مذاکرات میان ایران و ایالات متحده آمریکا در اسلام‌آباد دوخته شده، یک واقعیت مهم را نمی‌توان نادیده گرفت؛ منطقه هم‌زمان به توافق نزدیک است و هم به نقطه‌ای خطرناک از تقابل و این همان وضعیتی است که تحلیلگران از آن به عنوان حرکت روی «لبه پرتگاه کنترل‌شده» یاد می‌کنند؛ جایی که هر تصمیم می‌تواند به کاهش تنش یا تشدید بحران منجر شود.»

با این برداشت، تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل باور دارد: «در چنین شرایطی، سه مسیر پیش‌روی این مذاکرات قرار دارد؛ مسیر اول ناظر بر «توافقی کوچک و محدود برای خرید زمان» است. این معنا، محتمل‌ترین سناریو، رسیدن به یک توافق محدود است؛ توافقی که، نه همه اختلافات را حل می‌کند و نه فراتر است؛ پایانی قطعی بر تنش‌ها باشد و در این حالت، بخشی از فشارهای اقتصادی کاهش پیدا می‌کند، مثلا آزادسازی برخی منابع مالی یا ایجاد مسیرهای محدود برای مبادلات و در مقابل، ایران هم برخی اقدامات حساس خود را به‌طور موقت تعدیل می‌کند. به زعم این کارشناس: «چنین مدل توافق محدود، راه‌حل نهایی باشد، یک «دفعه» است؛ فرصتی برای نفس کشیدن اقتصاد و کاهش خطر درگیری. اما یک مشکل اساسی هم دارد، چراکه ممکن است منطقه را در وضعیت فرسایشی «نه جنگ، نه صلح» نگه دارد.» قهرمانپور در سناریوی بدبینانه‌اش به مسیر دوم یعنی «شکست و بازگشت به تنش» هم اشاره دارد می‌گوید: «اگر مذاکرات به هر دلیلی شکل نگیرد یا به بن‌بست برسد، احتمال بازگشت سریع به فضای تقابل بسیار بالاست. پایان آتش‌بس می‌تواند به افزایش درگیری‌های غیرمستقیم یا حتی برخورد‌های محدود مستقیم منجر شود.» به زعم او: «در این میان، نقش اسرائیل کلیدی است. اسرائیل که نسبت به هرگونه تثبیت موقعیت هسته‌ای ایران حساس است، ممکن است مسیر تنش را با اقدامات پیش‌دستانه از عملیات سایبری گرفته تا تحرکات امنیتی تشدید کند.» از سوی دیگر این تحلیلگر برای ایران هم هشدار می‌دهد: «مسیر شکست مذاکرات و تشدید تنش اگرچه می‌تواند به تقویت انسجام داخلی منجر شود، اما هزینه‌های اقتصادی و… به همراه دارد و خطر کشیدشدن به یک درگیری گسترده‌تر را افزایش می‌دهد.» در مسیر سوم، قهرمانپور یک سناریوی خوش‌بینانه را ذیل «حرکت به سمت یک توافق بزرگ‌تر» طرح کرده و عنوان می‌دارد: «امکان دارد در صورت آغاز مذاکرات اسلام‌آباد، روند سیاسی و دیپلماتیک به نقطه شروعی برای یک توافق جامع تبدیل شود؛ توافقی شبیه یا حتی فراتر از برجام. در این مسیر، موضوعات کلیدی مانند تحریم‌ها، برنامه هسته‌ای و نقش منطقه‌ای ایران باید به‌صورت جدی حل‌وفصل شوند.» این گزینه بیشترین منفعت اقتصادی و امنیتی را برای ایران دارد، اما با رسیدن به آن ساده نیست. مخالفت‌های داخلی در دو طرف و همچنین فشار بازیگران منطقه‌ای، به‌ویژه اسرائیل، می‌تواند مسیر را ناهموار کند.» تحلیلگر حوزه بین‌الملل در مقام جمع‌بندی از «تعادل میان فشار و مذاکره» یاد می‌کند و به گفته او: «با در نظر گرفتن همه عوامل، به نظر می‌رسد توافق محدود واقع‌بینانه‌ترین گزینه در شرایط فعلی باشد. هم تهران و هم واشنگتن به کاهش فوری تنش نیاز دارند، اما هنوز برای یک مصالحه بزرگ آماده نیستند.» قهرمانپور این را هم متذکر می‌شود: «در عین حال، برخی تحلیلگران هشدار می‌دهند سناریوهایی پرریسک‌تری نیز در سایه این تحولات قابل تصور است که ناظر بر سریز بحران به گلکوهاهای راهبردی مانند تنگه باب‌المندب، تا طرح ایده‌های پرهزینه‌ای مانند فشار نظامی مستقیم یا حتی هجوم محدود به داخل خاک ایران و نیز حرکت به سمت یک راهبرد فرسایشی مبتنی بر «حداکثر درد» که ترکیبی از فشار اقتصادی، امنیتی و روانی است.» با این قرائت، او توصیه می‌کند: «ایران در موقعیتی قرار دارد که باید میان «حفظ بازدارندگی» و «پیشبرد دیپلماسی» تعادل برقرار کند؛ تعادلی حساس که موفقیت یا شکست آن می‌تواند نه‌فقط سرنوشت مذاکرات، بلکه آینده ثبات در منطقه را تعیین کند.»

## شرق

### اخبار

## بانهو: همه جریانات سیاسی پشتیبان فرزندان خود در میدان و دیپلماسی باشند

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: دفاع نیروهای مسلح و ایستادگی مردم در خیابان، در آوردگاه دیپلماسی جامه عزت و مصلحت پوشیده و لازم است همه جریان‌های سیاسی و مردم پشتیبان میدان و دیپلماسی باشند. محمدرضا باهنر به مذاکره‌کنندگان و محمدباقر قالیباف، رئیس تیم مذاکره‌کننده، اظهار کرد: رهبر شهیدمان فرمود خدواند این ملت را برای مقاومت و حراست از جمهوری اسلامی معسوت نمی‌کند. شاهدیم که سه‌گانه رشادت‌های میدان، ایستادگی در خیابان و پایدردی در دیپلماسی، دشمنان ایران را وادار به عقب‌نشینی از اهدافی کرده است که برای دستنهایی به آنها به کشور هجوم آوردند. بنابر ادامه داد: رشادت نیروهای مسلح سلحشور در دفاع مقدس غیرتمندانه و ایستادگی ملت در خیابان‌ها که چشم دنیا را متحیر کرد، امروز در آوردگاه دیپلماسی از سوی مذاکره‌کنندگان ایران جامه‌ای از عزت و مصلحت پوشیده است. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام یادآور شد: آقای قالیباف ک عمری را در جهاد و ایثار سپری کرد، اکنون در قامت رئیس هیئت مذاکره‌کننده ایرانی، با غیرت از دستاوردهای میدان دفاع می‌کند و آن‌گونه که گفت جان و آبروی خود را برای عزت و عظمت ایران در طبق اخلاص نهاده است، باهنر گفت: شایسته است همه جریانات سیاسی و ملت صبور، فهیم و بصیر ایران، با اعتماد به مذاکره‌کنندگان، با حضور در خیابان‌ها، پشتیبان فرزندان خود در میدان و دیپلماسی باشند. نماینده ادوار مجلس با اشاره به یکپارچگی و انسجام ارکان نظام و مردم با رهبری انقلاب، اظهار کرد: در این مسیر تا احقاق حق ایران عزیزمان و خون‌خواهی رهبر شهیدمان بر جای نخواهیم نشست.

### توضیح سخنگوی دولت درباره شروط ایران برای مذاکره

سخنگوی دولت با اشاره به موضوع مذاکرات اظهار کرد: مذاکرات و دیپلماسی در امتداد میدان است و اگر قرار بر تسلیم مردم ایران باشد، این مردم تسلیم‌ناپذیرند، اما چنانچه مذاکره با رعایت این شرایط، در رسمیت‌شناختن طرف مقابل باشد، ایران ثابت کرده در این زمینه پیشگام و ساعی است. فاطمه مهاجرانی در گزارشی تلویزیونی به مردم، با بیان اینکه ما در روزهای اخیر شاهد تسلیح شدن گفت‌وگوهای اخیر هستیم، تصریح کرد: این امر مورد حمله دشمنان قرار گرفت و بسیار مایل بودند وحدت مقدس ما را بشکنند، اما شاهد بودیم که چگونه همه پای کار ایران ایستادند. دولت به‌عنوان متولی ارائه خدمات هم در کنار مردم ایستاد. او افزود: در پل‌هایی که پیش از آتش‌بس مورد حمله قرار گرفت، شاهد بودیم بیمانکاران بدون توجه به موضوع عدد و رقم و قرارداد، به‌سرعت شروع به بازسازی سریع آنها کردند تا به چرخه خدمت بازگردند. سخنگوی دولت ادامه داد: فعالان بخش اقتصادی و اتاق بازرگانی استان تهران نیز از روزهای پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه شروع به تهیه نسخه‌ای برای صنایع کوچک و متوسط کردند که حجتی از اشتغال و به‌روایتی است. مهاجرانی با اشاره به موضوع مذاکرات اظهار کرد: مذاکرات و دیپلماسی در امتداد میدان است و مسلما اگر قرار بر تسلیم مردم ایران باشد، این مردم تسلیم‌ناپذیرند، اما چنانچه مذاکره از سر شروط مذاکره ازجمله ادب، احترام و به رسمیت شناختن طرف مقابل باشد، ایران ثابت کرده در این زمینه پیشگام و ساعی است. او با اشاره به اقدامات دولت برای مدیریت شرایط جنگی، یادآور شد: در بازدید روزی بعد ازهداشت از انستیتو پاستور مقرر شد بخشی از این مجموعه که آسیب دیده است، مرمت شود و بخش قابل بازگشت به چرخه خدمت نیز طرف مدت سه ماه به خدمت‌رسانی بازگردد. سخنگوی دولت ادامه داد: در جلسه پایش فرایند اسکان و بازسازی مسکن که به ریاست وزیر راه برگزار شد نیز تأکید شد در روند بازسازی به‌جز کلان‌شهرها که کار در آنها به شهاداری‌ها سپرده شده، حدود ۸۸هزار واحد مسکونی و تجاری آسیب‌دیده وجود دارد که برآورد خسارت شده است؛ از این میزان، هزارو ۲۱ واحد اجدائی و مابقی نیازمند تعمیرات است که بنیاد مسکن این موضوع را دنبال می‌کند.